

– حرفی واسه گفتن ندارم.

یه باشه گفت و گوشتی رو قطع کرد...رو تخت نشستم و سرمو میون دستام گرفتم  
نمیدونستم کدوم حرف رو باور کنم!

نمیدونستم چیکار کنم...حس میکردم مخم داره ارور میده! اهی کشیدم و رو تخت  
دراز کشیدم انقدر فکر کردم که نفهمیدم کی خوابم برد

( جمال )

– خب چیکار کردی؟؟

– جمال این ادم ناشناس معلوم نیست کیه! هر چقدر دنبالش برگردی بیشتر به بن  
بست میخوری پسر

– من اینو نمیخوام

– عجباً

– باید پیدا بشه من باید گندم رو پیدا کنم، اونو باید پیش مادرش ببرم میفهمی؟؟

– پیش مادرش؟

سرمو به معنی اره تکون دادم : اره

پیش خودت نمیخواهی بیاریش؟

سکوت کردم و با دستم رو فرمون ضرب گرفتم.

یعنی دیگه دوستش نداری؟

نگاهی به حمید انداختم و بعد نگاهمو ازش گرفتم نمیدونم چرا همش به فکر زیبا میوفتادم

چرا سکوت کردی؟

نمیدونم

چیو نمیدونی؟

سرمو تکون دادم: نمیدونم که گندم رو دوست دارم یا نه

نگاه عمیقی بهم انداخت: مگه میشه؟

اهی کشیدم: خب چرا نشه؟ من چندین ساله دنبال گندمم اصلا نشد دیگه خسته شدم بخدا

اگه بین گندم و زیبا مجبور بشی یکی رو انتخاب کنی کی رو انتخاب میکنی؟؟

تو چشماتش نگاه کردم و سرمو پایین انداختم نمیدونستم چه جوابی بهش بدم

وقتی سکوتمو دید گفت: خب چی شد؟؟

خب گندم رو میبرم پیش مادرش... زیبا هم که اینجااست

چرخید به طرفم : به نظرت این جواب سواله؟؟؟

خودمم نمیدونستم چی بگم : من نمیدونم چی بگم خودمم نمیدونم با خودم چند  
چندم فقط میدونم حسم به زیبا واقعه

\_پس عاشق زیبا شدی؟؟

بازم سکوت کردم من عاشق زیبا بودم یا نبودم نمیدونستم فقط میدونم دوست  
داشتم در کنارم باشه و همیشه همراهم

\_نمیدونم جمال هر کاری میخوای بکن فقط یادت نره که عشق واقعی از بین نمیره  
و بعد از خداحافظی از ماشین رفت بیرون خودمم نمیدونستم با خودم چند چندم  
فقط اینو میدونستم که زیبا رو میبینم بدجور یاد گندم میوفتم

تو همین فکر بودم که بازم پیامی از اون ناشناس برام اومد  
" فکر کنم تو اصلا نمیدونی موضوع از چه قراره! اگه یکم به دور و اطرافت توجه کنی  
مفهومی که گندم کیه!

از این بازی خسته شده بودم سریع شماره شو گرفتم اما خاموش بود لعنتی به  
شانسم گفتم

هر چقدر به حرفاش فکر میکردم به نتیجه ای نمیرسیدم.

باز گوشیم زنگ خورد با فکر اینکه نکنه اون ناشناس باشه بی توجه به شماره جواب  
دادم

\_بله؟

\_جمال

با شنیدن صدای مادرم کلافه روی فرمون ضرب گرفتم

\_بله

\_علیک سلام یه وقت از من خبری نگیری یا! بخدا منم تنهام اون دختره رو ازم دزدیده

\_تمومش کن ماما سرم شلوغ بود فقط همین

\_حالم خوب نیست

\_چی شده؟

\_قلبم درد میکنه

محکم چشمامو رو هم گذاشتم : بازی جدیده؟